

### حقوقدانان از نحوه نظارت بر رفتار قضات و صیانت از حق دفاع می گویند

## قضات زیر ذره بین عدالت



حضور اعضای هیات مدیره

**ایدا پیغامی** - «شهرود حقوقی» | قضات همیشه مانند بهترین داور در طرح شکایتی به قضاوت آن می پردازند، اما تابه حال به این موضوع فکر کرده اید که یک قاضی برای رسیدن به صندلی قضاوت چه مراحلی را باید طی کند و اگر در طی دوران قضاوت خود دچار لغزش یا اشتباهی شد، چگونه باید به این اشتباه رسیدگی قضات را دارند؟ در نشست «نظارت بر رفتار قضات و صیانت از حق دفاع» که در کانون وکلای دادگستری مرکز برگزار شد، سخنرانان به بحث درمورد چگونگی نظارت بر رفتار قضات پرداختند و نحوه بررسی این موضوع در ایران را با دیگر کشورها مقایسه کردند.

#### شکایات غیر اخلاقی

در ابتدا مجید پوراستاد حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری را تبریک گفت و در ادامه به طرح مسأله پرداخت و اضافه کرد: من در سه بخش به این مطالب می پردازم. بخش اول شکایات و کیلی که مطابق عمل اخلاقی نیست. یعنی اگر وکیل از قاضی شکایت کند، مطابق اصول اخلاقی حرفه ای وکالی عمل نکرده است. بخش دوم شکایات کیلی که مطابق عمل حرفه ای و پیشنهادها بر نحوه نظارت بر رفتار قضات است که البته نتیجه آن صیانت از حق دفاع برای وکیل است.

وی در ادامه افزود: بخش اول بخشی است که شکایات از قاضی مطابق اصول اخلاقی نیست. شکایاتی که نه تنها اخلاقی نیست، بلکه حتی تخلف هم است. ما براساس سوگند و کالت که زیر آن سوگندنامه را هم امضا کردیم، متعهد شده ایم که بر خلاف شرافت قضاوت و شرافت و کالت اقدام و اظهاری نکنیم و نسبت به اشخاص و مقامات رعایت نهایت احترام را در دستور کار قرار دهیم و از کینه جوایی و انتقام جوایی بپرهیزیم. نقض این سوگند در بند ۳ ماده ۸۱ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مستوجب مجازات انتظامی درجه ۵ است.

همچنین براساس بند ۹ ماده ۸۰ همان آیین نامه در صورتی که وکلای دادرسی به وسیله خودآمیز از قبیل رای دادرسی متوسل شود، به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می شوند، اما همان طور که می دانید، شکایات انتظامی و کیلی از قاضی، شکایات انتظامی از دادرسی نیست و اگر کسی از قاضی شکایت کند، شکایتی محسوب می شود که ممکن است برخی از وکلا جلسه را به سمتی ببرد که قاضی را تهدید کنند تا یک فرصتی پیدا و علیه او اعلام جرم کنند تا شاید بتوانند پرونده را از او بگیرند و ادامه رسیدگی توسط این قاضی را که احساس می کنند خیلی با جریان پرونده شان پیش نمی رود، متوقف کنند. این از آن شکایاتی است که در واقع نه تنها اخلاقی نیست، بلکه تخلف هم است.

پوراستاد در ادامه به توضیح دسته دوم پرداخت و گفت: دسته دوم شکایاتی هستند اخلاقی نیستند اما

برای وکیل تخلف هم نیست، می دانیم که شکل قضات یکی از مشاغل بسیار مهم و سنگین در دنیاست. بهترین قضات، قانونمدارترین قضات، به حال در پرونده های جریان رسیدگی طولانی دار، طبیعی است که دچار لغزش شوند. ما هم به عنوان وکیل امکان دارد دچار لغزش هایی شویم و گاهی اوقات قضات ما از سر ناچاری از آن می گذرند و به آن توجه نمی کنند. برای مثال، یک قاضی به دلیل بی نظمی در دفتر دادگاه جلسه اش عقب افتاده است یا قاضی به استناد ماده ۴ قانون نظارت بر رفتار مشخصاتش را درج نکرده یا ختم دادرسی را اعلام نکرده است، اگر ما به دنبال بهانه می گردیم، که از قاضی شکایت کنیم، پیش کشیدن این بهانه ها کار اخلاقی نیست، اگر با سوءنیت دنبال چیزی می گردیم که از قاضی پیدا کنیم، این کار اخلاقی نیست. براساس بند ۶ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات، رفتار خلاف شأن قضایی یکی از تخلفات سنگین است که مستوجب مجازات انتظامی درجه ۸ است.

#### ابراهیمیان:

**مادر کشورمان می توانیم به این که اجاز دادگاه هر شخصی بتواند علیه قاضی شکایت کند و دستگاه انتظامی را مجبور بر رسیدگی کند، باید برای مثال، در ایران در سال گذشته ۵۹۰۰ فقره شکایت وارد داشتیم و از اینها ۵۶۰۰ رسیدگی شده است. ۹۸۳ کیفرخواست و تعلیق تعقیب هم حدود ۵۰۰ مورد داشتیم که تقریباً چیزی حدود ۹ درصد شکایات هاز دادگاه رفته است**

با مشکلات آشنا نیست. در این خصوص، دو نگاه وجود دارد. نگاه اول می گوید؛ وکیل تحت هیچ شرایطی نباید از قاضی شکایت کند و این موضوع دو دلیل دارد. دلیل اول این است که امکان دارد وکیل به خودش فکر کند و بگوید من در پرونده های بعدی با این قاضی سروکار دارم، برای چه خودم را به خطر بیندازم، حتی عافیت طلبانه تر رفتار می کند و شکایتی هم نمی نویسد و به موکل تأکید می کند که این کار را انجام ندهد، چون قاضی متوجه می شود. این ترس و عافیت طلبی باعث می شود که ما حتی تخلفات بارز و فاحش قضاوت را گزارش ندهیم. نگاه دوم می گوید: من چقدر از موکل پول گرفتم.

نگاه دوم که وکیل دادگستری باید علیه قاضی اعلام تخلفات قاضی نداشته باشد، چگونه باید به این تخلفات رسیدگی کند و قوه قضائیه از کجا باید متوجه شود که قاضی خوب یا بد دارد؟ اگر وکلای کار را انجام دهند، قاضی متخلف به راه خود ادامه می دهد. وکیل دادگستری بهترین شخص برای طرح چنین شکایتی است. اعلام تخلفات فاحش یک قاضی پاداش خوبی است برای قاضی قانونمدار. قاضی به نوعی به آن قاضی که عملکرد خوبی دارد، خدمت می کنیم. ما تنها از این طریق می توانیم بر رفتار قضات نظارت کنیم.

دلیل سوم این است که ما به عنوان وکیل دادگستری که در تمام دنیا وکلا پیشواز اصلاحات اجتماعی هستیم، فقط موظف به اقامه دعوا و دفاع از حقوق موکل خود نیستیم. از یک طرف ادعا می کنیم که دستگاه قضائی اشکال و نیاز به اصلاح دارد و از طرفی هم عافیت طلبی داریم که نکند در پرونده بعدی با همان قاضی سروکار داشته باشیم. من احساس می کنم که شکایات از یک قاضی باعث می شود که آن قاضی مراقب رفتارش باشد و بر عکس قاضی هم در برابر من این وظیفه را دارد. اگر من بر او نظارت کردم و او هم بر رفتار من نظارت کرد، آن وقت است که ما می توانیم بهترین خدمت را به مردم ارائه دهیم.

**ضوابط گزینش قضات باید تغییر کند**  
این حقوقدان در انتها به ارایه راه حل ها و پیشنهادهایی برای نظارت بر رفتار قضات پرداخت و گفت: یکی از نتایج نظارت بر رفتار قضات می تواند صیانت از حق دفاع وکیل باشد. در اینجا سه راه حل وجود دارد که در نخست ضوابط گزینش قضات باید تغییر کند. پیشگیری بهتر از درمان است. توجه به تعهد خوب است ولی توجه به تخصص هم باید در نظر گرفته شود. توجه به دیانت خوب است، اما توجه به اخلاق بهتر است، زیرا اخلاق دایره وسیع تری دارد. گاهی اوقات دانشجویان و دوستان نامه علمی وزارت را گرفتند و داخل گزینش سوال هایی از آنها می شود که باعث تأسف است و این سوالات هیچ ارتباطی با تربیت قاضی خوب ندارد. هر از گاهی در همین چند دهه اخیر خبر غیر رسمی به گوش می رسد که یک دسته قضات برکنار شده اند.

اینجا مشخص می شود که روش، روش اشتباهی است و به نظر من قوه قضائیه باید در ضوابط خودش بسر گزینش قضات تجدیدنظر اساسی و ضوابط ملموس تری را انتخاب کند.

نجات الله ابراهیمیان، معاون سابق دادرسی انتظامی قضات و عضو حقوقدان شورای نگهبان در ادامه افزود: من صحبت را در سه بخش یکی کلیات، دیگری الگوهای خارجی نظارت بر رفتار قضات اشاره می کنم و در بخش سوم این که الگو عمومی منتخب ما قابل تطبیق با کدام یک از کشورهای است و آیا ما اسلحه مناسب یا کنترل انتظامی برای قضات کشور داریم. اخیر را به انتظامی می دانیم. ممکن است در این بحث به این نتیجه برسیم که ما از نظر منابع، منابع غنی برای بحث کنترل انتظامی بر رفتار قضات داریم، این نتیجه گیری که در ایران ما منابع کافی را داریم، متأسفانه مشکلات را حل نکرده است. ما هنوز کشور هستیم که با وجود تحولاتی که در دنیا رخ داده، یک مقدار از جاهای دیگر دنیا از سنت ها و منابع سنتی مربوط به تقویت حتی تنظیم روابط اجتماعی که در رأس آن تعالیم دینی است، جدا نشده ایم.

ما از نظر منابع مشکلی نداریم ولی اگر همه قوانین موجود را تعطیل کنیم و دنبال انسان متعارف باشیم، این انسان آنچنان رفتارهایش تعریف شده که علی القاعده نباید مشکل داشته باشد. با وجود آن پیشینه تاریخی و غنای فرهنگی که ما داریم و با وجود این که توانستیم ابزارهای مناسبی را از حقوق غرب قرض بگیریم و به مجموعه ابزار کنترلی مربوط به رفتارمان در اجتماع اضافه کنیم، متأسفانه باز می بینیم که

اینها کار ساز نیستند. ابراهیمیان در ادامه افزود: نظارت یک معنی عام دارد که در رویکردی که دکتر پوراستاد داشتند، ما به این نگاه و معنی عام کمی نزدیک شدیم. اشاره کردند به مسأله اصلاح گزینش که می خواهم به این مسأله، موضوع مدیریت را هم اضافه کنم. مدیران دستگاه قضائی باید تصویری صحیح از آنچه ویژگی های رفتاری جامعه قضات را شکل می دهد، داشته باشند. به عبارتی ما باید خودمان تصویر روشنی از قاضی نمونه و استاندارد را در مدیران داشته باشیم. انسانی مستقل و امین استقلال در نظر او از نگاه مدیریتی به مرزهای کله شقی هم برسد، اما باید آن را تحمل کرد. با چنین نگاهی اگر من مشاهده کردم که رفتار در نظام سلسله مراتب اداری یک مدیریت دستگاه قضائی از الگوی مجرد و انتزاعی ما منحرف پیدا کرده، باید ببینیم ریشه این چیست.

اینگونه نظارت فقط با دادسرا و دادگاه نیست و باید با مطالعه دقیق علمی در یک فرآند مستمر انجام شود و ریشه انحرافات را هر روز بررسی و کنترل کنیم. عضو حقوقی شورای نگهبان در ادامه با انتقاد از رفتار برخی از قضات افزود: اگر پای صحبت جامعه و کالت بنشینیم، بزرگترین گله شان این است که همکاران ما نسبت به همکاران خودشان پرخاشگی دارند، ریشه آن چیست؟ گاهی اوقات استندنا یا چهره های عیوس قاضد منطق ما می شویم. چه نارسایی هایی باعث این رفتارها می شود؟ چرا حق دفاع متهم نمی تواند مورد تضمین قرار گیرد؟ چرا در جامعه ما بعضی ها در یک محاسبه هزینه و فایده محکومیت های انتظامی را به خودشان قبول می کنند؛ چرا که در یک حساب سرانگشتی می گویند به زحمت آن می آرز، این نگاه یک نگاه مدیریتی است که البته برای این که ما از این نگاه بهره ببریم همان طور که به آن اشاره شد، باید کار را از گزینش شروع کنیم و نگهداشت نیرو و این که

آن نیرو را در طول ۳۰ سال خدمت هرماهی کنیم، توجه داشته باشیم. این نگاه حرفه ای است که در دستگاه قضائی خیلی قوی نیست. شما باید حرفه ای به این مجموعه نگاه کنید تا اینها در درجه اول اولویت قرار گیرند، ما باید در برابر یک قاضی متعهد حساسیت داشته باشیم که به طور مثال در برابر یک پرونده مهم که اسم آن داریم و ما باید ببینیم که چه اشکالی در کارمان است که با وجود این همه ابزار کنترلی باز پاسخی نمی گیریم.

**سختگیری در گزینش قضات**  
ابراهیمیان در ادامه به سخت تر شدن گزینش افراد در دستگاه قضا و اقداماتی که در این زمینه انجام شده، اشاره کرد و گفت: در همکاری خوبی که با معلمان منابع انسانی قوه قضائیه حجت الاسلام امینی که انسان بسیار فرهیخته ای هستند، در چند سال اخیر یک نگاه مجددی به بخش استخدام داشتیم که شاید شما شاهد این تغییرات بودید. نخستین اقدام ما این بود که شاگرد اول ها درجه یک دانشگاه های دولتی ما در استخدام مقدمند و ما آنها را از امتحان کتبی و تستی معاف کردیم و با یک مصاحبه به عنوان قاضی این بنا را گذاشتیم که آنها را بپذیریم ولی بعدها به سمت این موضوع رفتیم که یک مقدار در شخصیت افراد باز نگری داشته باشیم. این که انبوهی از عقده های متفاوت در شخصی جمع نشود و آن فرد از این میزان و قلم به عنوان ابزار

استفاده کند. به این منظور از تجربیات کشورهای دیگر دنیا استفاده کردیم، تحقیقاتی انجام دادیم و در حال حاضر سه نفره از بهترین روانشناسان کشور می پذیریم، دقت ویژه ای داریم، یک هیأت سه نفره از بهترین روانشناسان کشور شخصیت این افراد را با تست های مختلف مورد سنجش قرار می دهند و با این تست و مصاحبه ها، بسیاری از افراد را همان ابتدای می کنیم و در مرحله بعد اظهار نظر ها و شیوه برخورد اینها با مردم و نوع نگاه به این ابزار مدنظر قرار می گیرد. بنابراین اصلاح نگاه مدیریتی و حرفه ای کردن نگاه مدیریتی و اداره امور یکی از اصلی ترین ابزار نظارت به معنای عام است تا به نظارت به معنای خاص برسیم که همین ابزار پیش بینی شده در قانون سال ۱۳۹۰ است.

**ابزار نظارت در کشور فراهم است**  
وی در ادامه با بررسی نحوه نظارت بر رفتار و صیانت از حق دفاع در دیگر کشورها افزود: در کشورهای که موضوع مطالعه تطبیقی قرار گرفته اند، نشان می دهد که مدل های خارجی مربوط به نظارت قضات در دومرحله با هم تفاوت می کنند. یک محور این است که نظام بیان تخلفات و تکالیف حرفه ای قضات چگونه است؟ دوم این که ابزار شروع به تحقیق کدامند. شما این پرسوه انتظامی را چه زمانی و با چه ابزاری شروع می کنید؟ در کشورهای موضوع مطالعه مانند کانادا و انگلستان و دانمارک و هلند و غیره درمورد آیین دادرسی کانادا تقریباً می توان گفت؛ تحقیق است که تعهدات قضات را در رخیش رفتار حرفه ای به نحو مفصلی ارایه داده، به نحوی که یک کاتالوگ ۵۰ صفحه ای درمورد این که قضات در مواجهه با همکارانشان و وکلا و مردم و امور سیاسی و غیره چه رفتاری باید داشته باشند، به تفصیل بیان شده است. در اسپانیا هم تا اندازه ای تخلفات انتظامی از این است. کشورهای موضوع مطالعه خوب ارایه شده است. اینها را که کنار بگذاریم، در بقیه کشورها رفتارها تخلفات انتظامی کلی است.

قطعاً شما می دانید در رسیدگی های انتظامی اصل قانونی بودن مجازات ها را داریم اما اصل قانونی بودن تخلفات را نداریم و به عبارتی تخلفات عنوان های کلی است که مانند رفتارهای خلافشان، رفتار خلاف قانون که مصادیق در این عنوان های کلی را مراجع رسیدگی می کنند. مدل کانادایی و اسپانیایی از این حیث یک الگو است. حال با این وجود، می توان گفت که ایران با مصلی از تکالیف حرفه ای قضات نداریم، یعنی ما اخلاق حرفه ای قضائی نداریم، اما در قانون جدید اگرچه ماده فهرستی از تخلفات احصا شده که از آنها را کنار ماده ۱۸ و تبصره بگذاریم و برخی از عناوین کلی را کنار هم بگذاریم، مشاهده می کنیم که یک نظام ویژه داریم که چند تخلف مهم را احصا کرده است و باقی را کدام یک از این کشورها مشابه است؟ ما لیست آنها را تشخیص خواهد داد.

ابراهیمیان در ادامه افزود: نکته مهم دیگری که برای من سوال بود این است که نمی دانم تعدد رسیدگی انتظامی ایران از کدام کشور ما مبدل قاضی این بنا را گذاشتیم که آنها را بپذیریم ولی بعدها به سمت این موضوع رفتیم که یک مقدار در شخصیت افراد باز نگری داشته باشیم. این که انبوهی از عقده های متفاوت در شخصی جمع نشود و آن فرد از این میزان و قلم به عنوان ابزار

حضور اعضای هیات مدیره

کمیسوینی درست کرده اند که شکایت افراد را می گیرند و به صورت اتوماتیک به آن رسیدگی می کنند. در کشورهای دیگر که اسم بر دم، اولاً مردم اینگونه نیستند که حق شکایت داشته باشند. شکایت تقدیم می کنند، ولی مراجع رسمی هستند که در سال ۲۰۰۷ یک مقدار به این امر توسعه دادند و آنها می توانند از شورای عالی قضائی تقاضا کنند که رسیدگی انتظامی را شروع کنند. بنابراین در ایران می توانیم به این موضوع ببالیم که ما اجازه داده ایم هر شخص بتواند علیه قاضی شکایت کند و این دستگاه انتظامی را مجبور به رسیدگی کند.

بنابراین وقتی در کشورهای دیگر می گویند، ۲۰۰ پرونده انتظامی داشتیم، باید متوجه شویم که اینها حق شکایت ندارند. برای مثال، در ایران در سال گذشته ما ۵۹۰۰ فقره شکایت وارد داشتیم و از اینها ۵۶۰۰ تا رسیدگی شده است. ۹۸۳ کیفرخواست و تعلیق تعقیب هم حدود ۵۰۰ مورد داشتیم که تقریباً چیزی حدود ۹ درصد شکایت ها از دادگاه رفته است. این جای نگرانی دارد، اما اگر در مدل هایی که شکایات شاکمی وجود ندارند، اجازه شکایت بدهند، این عدد شاید خیلی کوچک نباشد. نمی گویم اندازه ایران است، اما در اسپانیا در سال ۲۰۰۳ نزدیک ۱۲۰ فقره شکایت بوده است، البته این شکایت ها الزماً رسیدگی نشده و بعضی ها انتخاب شده، زیرا آنجا اجباری نیست. بنابراین ابزار خوب طراحی شده است.

این حقوقدان با بیان این که مصادیق متعددی در عنوان تخلفات انتظامی داریم، ادامه داد: وضع اقتصادی در این ناراضی متاثر است. اگر ادارات کرامت بخشیدن به افراد را نادرده بگیریم، به مشکل برمیخوریم. ما فرار مغزها را از دستگاه های دولتی داریم. معدل توانایی در ادارات دولتی پایین آمده و دادگستری هم با وجود تلاش از این مشکل مصون نبوده است. ما وکلای داریم که هیچ کارمندی به خودش اجازه نمی دهد که به آنها پیشنهاد رشوه بدهد، زیرا رفتار او پیام دارد. اخلاق قی قاعده قبل از حقوق است که می تواند مشکلات را حل کند. وقتی به پوشش قاضی توجه می کنیم، بر کلام آنها هم باید توجه کنیم. جهاد فقط پاسداری از مزر نیست، بلکه اخلاق حکم می کند ابرو در هم کشید و شکایت نکنید و نگارید منطق کاسب گونه بر شما حکمفرما باشد.

**حقوق مالی قضات نسبت به سایر اقشار بسیار کم است**  
همچنین در انتها همکارانشان سابق دادسرای انتظامی قضات نیز به بیان تاریخچه آیین نامه نظارت بر قضات و بررسی قوانین جدید در مواجهه با این امر پرداخت و گفت: آیین نامه نظارت بر قضات که مربوط به سال ۱۳۰۴ بود، به دلیل قدمت، نیازهای جامعه قضائی کشور را برطرف نمی کرد. ما در رسیدگی انتظامی به فقر قوانین پی بردیم. به طور مثال، درمباحث علمی نظارت بر قضات آمده بود؛ اگر نقض آرای قضات کاشف از عدم لیاقت آنها باشد، می توان آن را تخلف دانست و نهایت تعلیق می کردیم. قانون نظارت بر قضات بسیاری از این رفتارها را مشخص می کند. مصادیق خوبی مطرح شده که از جمله آنها این است که هر قاضی ترک فعلی که موجب تخفیف جایگاه قضائی یا ایجاد بدبینی به بی اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضائی شود، مانند استعمال الفاظ نامناسب با شأن قضائی، تندخویی نسبت به مراجعان یا همکاری اداره قضائی، استفاده از لباس نامناسب می تواند در بررسی مورد توجه قرار گیرد و این

امور به تشخیص عرف و آگاز شده است. زمانی که همکاران ما در معرض این نظارت قرار بگیرند، تأثیرات خوبی مشهود خواهد شد. تشکیلات انتظامی قضات که متشکل از هیأت نظارت ارزشیابی هستند، موضوع ماده ۱۲ قانون نظارت بر رفتار قضات بیشتر حیطه رفتاری قضات از این مورد نظارت قرار می دهد. بحث نظارت علمی قضات هم بحثی است که نتیجه گرفته است. این نظارت به گونه ای است که در آن آرای علمی قضات مورد ارزیابی قرار گیرد، تا درموردی مثل ناخوانا بودن خط قاضی و عدم احراز صور تجلسه.

معاون سابق دادرسی انتظامی افزایش فقر آموزش در تصدی وکلا و قضات را مورد انتقاد قرار داد و گفت: فقر آموزش در تصدی وکلا و قضات به وضوح مشاهده می شود. حتی در همه زمینه ها علی الخصوص رشته های علوم انسانی در دانشگاه ها فقر داریم که حتماً باید بررسی شود. بازسی های فراوانی را در تهران در زمینه نظارت بر قضات انجام دادیم.

از نظر اقتصاد، حقوق مالی قضات نسبت به سایر اقشار بسیار کم است، البته این کمبود مالی نباید انگیزه تخلف باشد. تعامل بین وکیل و قضات نیز باید به صورت دو جانبه وجود داشته باشد. رسیدگی های انتظامی به سمت رفتاری است که قضات از نظر علمی مورد بررسی قرار می گیرند. برای مثال، ما ۵ پرونده قاضی را بررسی می کنیم. برای تصدی مشاغل بالاتر نیز هیأت ممیزی پیش بینی شده که حداقل ۲۰ پرونده و آرای مقام قضائی را مطالعه می کنند که آیا این قاضی برای تصدی لیاقت دارد یا نه و اگر مشهود نبود، یک دوره همراه به آن می دهند تا مطالعه کند و دانش حقوقی خود را بالا ببرد تا موقعیت بعدی را تصدی کند.